

سقوط رژیم عراق، وضعیت سیاسی جدید

گفتگوی جهان امروز با ابراهیم علیزاده دبیر اول کومه له

جهان امروز : حمله نظامی آمریکا و انگلیس به عراق همانگونه که انتظار می رفت به سقوط رژیم عراق منجر شد، ما قبلا راجع به اهداف و انگیزه های آمریکا در این باره بکرات سخن گفته ایم، حال سوال این است آیا با پیروزی در جنگ می توان گفت که دولت آمریکا به اهداف خود دست یافته است؟

ابراهیم علیزاده: همانطوریکه اهداف آمریکا در این جنگ فراتر از مصالح و منافع مشخص این دولت در عراق بود، معیارهای پیروزی یا شکست آن را هم بایستی در ورای رویدادها جستجو کرد که در خود عراق جریان دارد. دشواری هائی که آمریکا از همان فردای سقوط رژیم در عراق با آن روبرو شده است یکی و دو تا نیست. برقراری یک رژیم با ثبات پرو آمریکائی که این کشور را به بهشت سرمایه گذارانش تبدیل کند و توازن قوای منطقه ای را به نفع اسرائیل عوض نماید، برای خود سیاست گذاران آمریکائی هم دشوارتر از آن چیزی است که تصورش می کردند. آنها مصائب و رنج های دردناکی را برای مردم این کشور که وعده داده اند، گویا به نمونه دموکراسی در خاورمیانه تبدیلش کنند، تدارک دیده اند.

جناح راست حاکم در آمریکا با برپائی این جنگ می خواست به دنیا نشان دهد که گوشش به مخالفت ها بدهکار نیست، توانائی عوض کردن دولت ها را دارد و هر چه را که خود اراده کند، انجام می دهد، به این منظور به یک پیروزی نظامی نمایشی، سریع و ویرانگر نیاز داشت تا بعدا با کاشتن رعب ناشی از آن در دل دولت های دیگر، نقشه اش را در منطقه ادامه دهد و دیدیم که بلافاصله بعد از ختم جنگ در عراق به تهدید دولت سوریه پرداخت. برای کسی جای تردید نبود که رژیم عراق زیر فشار نظامی آمریکا پس از مقاومتی نه چندان طولانی سقوط خواهد کرد، خوب به این معنی تا این جا آمریکا پیروز شده است.

اما آمریکا نه در خود عراق بنا به تناقضات پیچیده موجودی که خود نیز آنها را تشدید کرده است و نه در سطح جهانی بنا به توازن قوای واقعی، قادر به تحکیم این پیروزی نظامی اولیه و بهره برداری مورد نظر از آن نیست. در خود عراق ایجاد ثبات مورد نظر آمریکا هر چه زمان می گذرد دشوارتر خواهد شد و در سطح جهانی هم جبهه های مقابله با قدر قدرتی آمریکا تازه دارند

شکل می گیرند.

امروز بیش از هر زمان دیگری روشن شده است که جهان یک قطبی که آمریکا به دنبال فروپاشی شوروی تحت عنوان نظم نوین جهانی در پی آن بود، غیر قابل تحقق است. شکاف های بزرگی در دنیای سرمایه داری از نو سر باز کرده اند. قطب های اقتصادی قدرتمند جدید سهم خود را در شکل دادن به آرایش سیاسی جهان هم طلب می کنند. سهم اقتصادیشان هم بطریق اولی بایستی محفوظ باشد. آمریکا با اتکاء به قدرت برتر نظامی خود البته می تواند جهان را ناامن تر سازد اما قادر نیست نظم مورد نظر خود را ایجاد کند.

دشواریهایی که در جریان زمینه سازی جنگ با آن مواجه می شد انعکاسی از همین واقعیت هستند. دولت آمریکا در مقایسه با جنگ کویت در سال ۱۹۹۱ که یک ائتلاف از تعداد زیادی از دولتهای جهان را بدنبال خود کشید و رهبری کرد و حتی در مقایسه با جنگ بر علیه طالبان در افغانستان هم، در جنگ اخیرش در عراق در سطح جهانی چه در نزد دولت ها و چه در نزد افکار عمومی بسیار منزوی بود و ما پیامدهای این انزوا را بتدریج در تمام عرصه های بین المللی خواهیم دید. برای نخستین بار در یک دهه گذشته سازمان ملل تسلیم گروکشی آمریکا نشد و بر جنگ آمریکا بر علیه عراق صحنه نگذاشت. افکار عمومی بصورت یک نیروی انترناسیونالیستی بالفعل که ریشه در مبارزات ضد کاپیتالیستی رشد یافته سالهای اخیر دارد خود را به محاسبات توازن قوای در کشمکش های جهان معاصر تحمیل کرده است.

جهان امروز: اهداف اقتصادی و سیاسی آمریکا در خود عراق کدام ها هستند؟ امکان دستیابی به آنها را برای آمریکا چگونه می بینید؟

ابراهیم علیزاده: در خود عراق هم بنظر من آمریکا در درجه اول دنبال اهداف فوری اقتصادی نیست. قلدرومنشی نظامی در خدمت کسب موقعیت سیاسی برتر جهانی است که آمریکا قصد دارد باج اقتصادی آنرا از همه خاورمیانه و جهان بگیرد. البته شکی نیست که هزینه های جنگ و نگهداری نیروهایش را از همان جامعه عراق تأمین خواهد کرد. دعوای راه افتاده بر سر بازسازی عراق هم در درجه نخست یک کشمکش سیاسی است تا یک رقابت اقتصادی. آمریکا می کوشد که یک رژیم گوش فرمان خود را در عراق مستقر کند و مانند جاههای دیگر خاورمیانه به جای اشغال کامل، پایگاه نظامی خود را در این جا نیز دایر نماید.

اما اجرای همین نقشه در عراق برای آمریکا با دشواری های زیادی روبرو است. از یک طرف اشغال

کامل نظامی نیروهای آمریکا را مستقیماً با مردم درگیر خواهد کرد و ظاهر شدن هر روزه این صحنه‌ها بر صفحه تلویزیون‌ها برای دولت آمریکا که بشدت به حفظ افکار عمومی آمریکا پشت سر سیاستهای خود نیاز دارد، مطلوب نیست و از سوی دیگر خروج نیروها و سپردن امور بدست دولت ضعیف محلی که پایه‌ای در میان مردم ندارد، این کشور را در بی ثباتی کامل نگاه خواهد داشت. مسائل اجتماعی متعددی در این جامعه وجود دارند که آمریکا از حل آن‌ها عاجز است.

مبارزات ضد اشغالگری هم اکنون آغاز شده است بزودی می‌توان از مبارزات رادیکال و انقلابی برای بدست آوردن آزادی واقعی در این کشور سخن گفت که از زمینه‌های اجتماعی نیرومندی در عراق برخوردار است. مبارزه مردم کرد برای کسب حق تعیین سرنوشت خود از پروژه‌های دست‌پخت آمریکا دور می‌شود و وارد فاز دیگری خواهد شد.

جهان امروز: این روزها سخنگویان مختلف آمریکا به هر مناسبتی سوریه را مورد تهدید قرار می‌دهند و هر روز بار اتهامات وارده را سنگین‌تر می‌کنند. در این رابطه از نظر شما چه اتفاقی در شرف تکوین است؟

ابراهیم علیزاده: جنگی با دولت سوریه در راه نیست. براه انداختن بلافاصله جنگی دیگر در خاورمیانه برای آمریکا در این مقطع نه ضروری و نه مطلوب است. البته به طریق اولی صحبتی از حمله نظامی به رژیم ایران هم مطرح نیست. بازار گرمی کسانی از اپوزیسیون راست را که وانمود می‌کنند گویا بعد از عراق نوبت ایران است نباید جدی گرفت. اما آمریکا جنگی براه انداخته است و پولی خرج کرده است و می‌خواهد تا وقتی که اثرات پیروزی نظامی او در اثر گذشت زمان زایل نشده است، حداکثر استفاده ممکن را از طریق شانتاژ و گروکشی ببرد. منفعت جانبی این تهدیدات اگر به محدودیت‌هایی برای حزب الله لبنان و گروه‌های فلسطینی منجر شود و سوریه در کار پروژه‌های اسرائیل در فلسطین کار شکنی نکند، در خدمت کل استراتژی آمریکا در خاورمیانه است. این تهدیدها در همین چهارچوب صورت می‌گیرند.

جهان امروز: به مسئله کرد در عراق اشاره کردید. دورنمای حل این مسئله را در عراق پس از سقوط رژیم عراق چگونه می‌بینید؟

ابراهیم علیزاده: قبلاً در این باره گفته‌ایم که در خود پروژه آمریکا برای آینده عراق جایی برای حل

مسئله ملی در کردستان وجود ندارد. همه آنچه تاکنون بطور ضمنی و در لابلای عبارات دو پهلو از جانب سیاست گذاران آمریکائی گفته شده است و یا حتی از جانب اپوزیسیون رژیم سابق عراق تحت عنوان قدرالیسم بیان شده است و البته هر کدام از جناح‌ها هم تعبیر خاص خود را از آن دارند، نه تنها به رفع ستم ملی از مردم کردستان منجر نمی‌شود، بلکه اجرای چنین نقشه‌هائی بمعنی تداوم بی‌حقوقی و محرومیت‌های مردم کرد در عراق خواهد بود و در عمل اوضاع را آشفته‌تر و حل مسئله را دشوارتر خواهند ساخت.

اما با تداوم بحران سیاسی در عراق و از بین رفتن توهمات و خوش‌باوریها نسبت اهداف واقعی آمریکا و نقشه‌هایش در عراق فرجه‌های دیگری در مبارزه برای کسب حق تعیین سرنوشت و آزادی برای مردم در کردستان عراق گشوده خواهد شد. مردم کردستان در دوره جدید دست روی دست نخواهند گذاشت و مبارزه برای رهایی واقعی از ستم ملی و کسب حقوق انسانی خود را در ماورای نقشه‌های آمریکا دنبال خواهند کرد.

پرونده قدرت سیاسی در عراق مفتوح خواهد ماند و سرنوشت مسئله کرد هم به تجدید آرایش نیروها و گرایشهای سیاسی و اجتماعی در دوره جدید گره خواهد خورد. نیروی چپ و رادیکال در جامعه عراق بطور کلی و در کردستان بطور اخص بمتابعت حرکت و گرایش سیاسی از پیشینه و سنت‌های قابل اتکائی برخوردار است. در فاز دوم بحران عراق با به میدان آمدن نیروی مستقیم مردم و جنبش‌های رادیکال اجتماعی است که میتوان به حل عادلانه و انسانی مسئله ملی در کردستان عراق امیدوار بود.

جهان امروز: سرنوشت جنبش ملی در کردستان عراق چه تأثیری بر بخش‌های دیگر کردستان در ایران و ترکیه خواهد گذاشت؟

ابراهیم علیزاده: این درست است که مسئله کرد یک مسئله منطقه‌ای است و مبارزه برای رفع ستم ملی در اشکال متفاوت در بخش‌های مختلف آن جریان دارد، اما شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه کردستان در این کشورها که مردم کرد بعنوان یک اقلیت ملی در آن زندگی می‌کنند، یکسان نیست و جنبش‌های جاری در آنها استراتژی واحدی را پیش رو ندارند. مسیر جنبش مردم کرد در کردستان عراق می‌تواند متفاوت از آن چیزی باشد که در ایران استراتژی ما را تشکیل می‌دهد. و در ترکیه هم همینطور.

اما با وجود این، مرزهایی که مردم کرد را در ایران و عراق و سوریه بطور رسمی از هم جدا میکند هرگز در هیچ دوره‌ای نتوانسته‌اند از مرادوات اقتصادی، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی،

پیوندها و مناسبات بین احزاب و جریان‌های سیاسی در بخش‌های مختلف کردستان جلوگیری کنند بلکه در بدترین حالت تنها محدودیت‌هایی بر آن‌ها اعمال شده است. به این معنی هر رویدادی در هر بخشی از کردستان در قسمت‌های دیگر آن بسرعت منعکس خواهد شد.

و تأثیرات وضعیت فعلی عراق هم در کردستان ایران و ترکیه در همین چهارچوب خواهد بود. در این باره البته مسئله مشخص تری وجود دارد که در جای خود باید به آن پرداخت. و آنهم موقعیت عملی جریان‌های اپوزیسیونی است که بخشی از فعالیت و ارگانهای خود را در دو دهه اخیر در کردستان عراق مستقر کرده اند.

جهان امروز: اگر ممکن است در رابطه با موقعیت نیرو، ارگانهای فعالیت کومه‌له در کردستان عراق با توجه به شرایط جدیدی که پیش آمده است برای خوانندگان این نشریه توضیحاتی بدهید.

ابراهیم علیزاده: کومه‌له در دو دهه اخیر مرکزیت و مکانهای استقرار بخشی از فعالیت‌های خود را اساساً در هماهنگی با اتحادیه میهنی کردستان در بخش‌هایی که طی سالها خارج از کنترل دولت مرکزی بودند، مستقر کرده بود. در همان حال دفاتری هم در شهرهای تحت کنترل دولت مرکزی دایر کرده بود و از تسهیلات معینی هم در این رابطه بهره‌مند میشد. کل این مناسبات علنی بود، در کنگره‌های کومه‌له در هر دوره‌ای بازبینی میشد و چند و چون آن به اطلاع مردم کردستان رسانده میشد. نیاز به برقراری این ارتباطات هم نه یک نیاز تشکیلاتی و سازمانی بلکه در رابطه با مصالح یک جنبش توده‌ای بود. پیشبرد امر مقاومت در برابر تهاجم جمهوری اسلامی و جنبش انقلابی کردستان چنین امری را ضروری ساخته بود. درباره نفس این رابطه در همان نخستین سال پس از استقرار رژیم اسلامی در ایران در نشست‌های شرکت ماموستا شیخ عزالدین و نمایندگان کومه‌له، حزب دموکرات کردستان ایران، اتحادیه میهنی کردستان در نشست‌های توافق شده بود - به خاطر می‌آورم که سندی هم در این رابطه به امضاء رسید. - که برقراری ارتباط با دولت‌های ایران و عراق برای نیروهای سیاسی حاضر در جلسه مجاز است. مشروط بر آنکه این ارتباط زیانی به مبارزه مردم کردستان در هیچ کدام از بخش‌های آن نرساند و جزئیات مربوط به این ارتباط از طرفین پوشیده نباشد. کومه‌له به این تعهد خود همواره پایبند بوده و در مقاطع مختلف بهای سنگینی هم برای آن پرداخت کرده است. این مسئله‌ای است که امیدوارم در فرصت دیگری به آن بپردازیم.

امروز البته شرایط در مقایسه با ۲۲ سال قبل البته بسیار عوض شده است. پرونده قدرت سیاسی آتی در عراق و سرنوشت سیاسی کردستان عراق هم در برابر احتمالات مختلف گشوده است و ما برای حالت‌های مختلف پیش‌بینی‌های لازم را کرده ایم. تا آنجا که به کومه‌له مربوط است شکل کار و

نحوه فعالیت ما در عراق بستگی به روندی خواهد داشت که رویدادهای سیاسی این منطقه در ماه‌های آتی طی خواهند کرد، ما از زاویه مصالح مبارزه انقلابی در کردستان ایران، پایبندی به پرنسیپ‌ها سیاسی و حفظ وجهه و اعتبار کومه‌له، سیاست خود را در این زمینه در رابطه با نحوه حضور و فعالیت خود در این منطقه بموقع اعلام خواهیم کرد.

جهان امروز: تاثیر این بحران را بر جمهوری اسلامی ایران بطور کلی و بر کشمکش درونی جناح‌ها بطور اخص چگونه می‌بینید؟ آیا آمریکا در تدارک حمله به ایران است؟

ابراهیم علیزاده: قبل از هر چیز یک واقعیت روشن است که رویدادهای عراق نقش مهمی در فروریختن توهمات که در میان بخش‌هایی از مردم ایران در مورد عواقب دخالت‌های آمریکا در ایران وجود دارد، خواهد داشت. همانطوریکه جمهوری اسلامی هم نتوانست الگوی امیدبخشی برای جنبش‌های اسلامی منطقه باشد، حکومت دست پخت آمریکا هم در عراق برای مردم ایران الگوی دلپذیری نخواهد بود و این نخستین تأثیر پایدار رویداد‌های عراق بر جامعه ایران خواهد بود.

روشن است که آمریکا از پیروزی نظامی خود در عراق حداکثر استفاده را در اعمال فشار برای رام کردن جمهوری اسلامی بعمل خواهد آورد و البته جمهوری اسلامی هم فوت و فن سازش و مماشات با آمریکا را بخوبی می‌داند و بده و بستان‌های پنهانی هم در این زمینه از مدتی پیش آغاز شده است. فشارهای آمریکا بر جمهوری اسلامی هم اهداف کوتاه مدت و هم دراز مدتی را دنبال می‌کند. در کوتاه مدت آمریکا از رژیم اسلامی می‌خواهد که از پشتیبانی و تحریک سازمانهای شیعه در عراق دست بردارد و یا آنها را به تمکین در برابر سیاست آمریکا در عراق وادار سازد. همین خواست را در مورد حزب الله لبنان و جنبش حماس و جهاد اسلامی نیز دارد. جمهوری اسلامی هم آماده است که توانائی خود را در تأثیر گذاشتن بر این جریان‌ها به آمریکا بفروشد اما در واقع بر خلاف آنچه که در ظاهر وانمود می‌کند امروز دیگر کنترل قابل توجهی بر این جریان‌ها ندارد. این گروه‌ها خود دارای ریشه‌های اجتماعی نسبتاً قوی هستند و از مسائل واقعی در جوامع خود نیرو می‌گیرند. از این لحاظ کار زیادی از دست جمهوری اسلامی بر نمی‌آید و تعیین تکلیف آمریکا و اسرائیل با اینگونه جریان‌ها اساساً در عرصه کشمکش‌های خاورمیانه صورت خواهد گرفت.

اما در درازمدت آمریکا در پی تغییرات اساسی تری در ایران است. ساختار سیاسی، قوانین، قید و بندهای ایدئولوژیک همگی بایستی تغییر کنند تا ایران در بازار جهانی مورد نظر آمریکا ادغام شود، درهای بازار ایران بایستی بر روی اقتصاد و محصولات فرهنگی آمریکا گشوده شود. ملزومات پیوستن

اقتصاد ایران به سازمان تجارت جهانی در ساختارها و نهادهای و قوانین فراهم گردد و غیره. اما در عین حال آمریکا نمی‌خواهد خود را با خطر فروپاشی و سرنگونی جمهوری اسلامی از قیام مردم و برآمد توده‌ای هم روبرو سازد، از اینرو سیاست چماق و شیرینی را در رابطه با رژیم اسلامی در ایران تا مدتها ادامه خواهد داد و از این رژیم امتیاز مورد نظر خود را خواهد گرفت.

جمهوری اسلامی خواهد کوشید با بازی با کارت اروپا و استفاده از شکافهای موجود بین قطب‌های اصلی جهانی، برای حفظ پیوستگی نظام اسلامی، این پروسه را هرچه تدریجی‌تر به پیش برد. اما آیا رشد جنبش‌های رادیکال اجتماعی در ایران مجال این معامله گام به گام و تدریجی را به آمریکا و جمهوری اسلامی خواهد داد؟ پاسخ به این سوال وظیفه عملی ما است.

در این کشمکش جناح راست رژیم خواهد کوشید با اخذ برنامه‌های اصلاح طلبان و با استفاده از سترونی و بی‌کفایتی ذاتی آنها ابتکار عمل را در همه زمینه‌ها بدست بگیرد، آمریکا هم در اینکه معامله‌اش را با همین جناح به نتیجه برساند تردیدی نخواهد داشت. بنابر این خود شیرینی‌های اصلاح طلبان حکومتی و فرصت طلبان در اپوزیسیون تنها روی دستشان خواهد ماند.

جهان امروز: نیاز آمریکا به تغییر سیمای جمهوری اسلامی و یا حتی کنار زدن آن، ظاهراً یک همسوئی عملی بین آمریکا و اپوزیسیون این رژیم بوجود آورده است و همین وضعیت البته به توهماتی نسبت به سیاست‌های آمریکا در قبال ایران در میان مردم دامن می‌زند و جناح‌هایی از اپوزیسیون هم در تلاش هستند بر این موج سوار شوند در چنین شرایطی چگونه می‌توان این خوش‌باوری‌ها را خنثی کرد و در مخالفت با اهداف آمریکا در ایران و در کل منطقه صدای اعتراض و مبارزه متفاوتی در مقایسه با جریان‌های سیاسی اسلامی و خود جمهوری اسلامی بود؟

ابراهیم علیزاده: در اینکه آمریکا برای مردم ایران آزادی و رفاه و برابری نمی‌آورد، تردیدی نیست. تجربه تقابل آمریکا با دولت عراق در ده دوازده سال اخیر برای مردم ایران هم بسیار درس آموز خواهد بود.

محاصره اقتصادی و جنگ این کشور را به ویرانی کشید و امروز پس از این همه رنج و مرارت و قربانی شدن‌ها می‌بینند آنچه را که به نیروی مبارزه مستقیم خود بدست نیاورند، در نتیجه اجرای سیاست‌های آمریکا در عراق بدست نخواهد آمد.

این مسئله بدون شک از حساسیت و اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و به کار آگاه‌گرانه پر حوصله و صمیمانه و رشد هشیاری سیاسی در پاسخ به این مسئله جای مهمی دارد. اما مردم وقتی

به دولت آمریکا برای رهائی خود دخیل می‌بندند که اعتماد و امید به اینکه به نیروی خود کاری بکنند را از دست داده باشند. خوش باوری به سیاست‌های آمریکا بر متن انفعال سیاسی رشد خواهد کرد. در ایران امکان اینکه از طریق یک برآمد توده‌ای و انقلاب رژیمی طرفدار آمریکا بر سر کار بیاید، ممکن نیست. اعاده اعتماد و باور به نیروی خود یک امر مادی است و این کار جز با تشکل و سازمان یابی در متن جنبش‌های نیرومند اجتماعی ممکن نیست.

سلطنت طلبها، ناسیونالیست‌ها و همه گروه‌های از این قبیل که سعی میکنند خود را به ماشین جنگی آمریکا آویزان کنند تا از این طریق در ایران به نوائی برسند، در واقع نور امیدی برای خود در برپایی و رشد جنبش‌های رادیکال اجتماعی نمی‌بینند. برای رسیدن به قدرت این تنها توهمی است که می‌توانند به آن دل خوش کنند.

آمریکا در ایران منافع خود را دنبال می‌کند و منافع آمریکا و اکثریت مردم ایران یکی نیست. آنچه که سیاست ما را از سیاست‌های آمریکا و غیره جدا می‌کند، محتوای رهایی‌بخش و طبقاتی آن است. ما به مبارزاتی متکی هستیم که جامعه را از اعماق دگرگون می‌کند. طبقه کارگر اگر خود در میدان مبارزه مستقیم برای رسیدن به اهداف طبقاتی خود باشد به آسانی تضاد منافع خودش را با سیاست‌های سرمایه‌دارانه امپریالیستی در ایران در می‌یابد. زن ایرانی اگر به جنبش نیرومندش متکی باشد نمی‌خواهد آنگونه رها شود که زن در افغانستان بدست ارتش آمریکا رها شد. هنوز مرد سالاری خشن و سنت و مذهب و قوانین مبتنی بر ساختارهای قبیله‌ای و عشیرتی، همه بر گرده اش سنگینی می‌کنند. اگر مردم زحمتکش و تحت ستم در کردستان ایران حول استراتژی کومه‌له سازمان یابند و خود را از قید فکری و سیاسی ناسیونالیست‌های بند و بست‌چی ریز و درشت رها سازند، به خوش‌خیالی‌هایی بوسیله آمریکا دچار نخواهند شد. بنابراین چه باید کرده‌ها روشن اند و نیروهای مادی برای اجرای آن در همین جامعه اند. چنین جهتی مسلما پشتیبانان پر شور جهانی خود را در صف میلیونها انسانی که نمی‌خواهند ناظران خاموش مصائبی باشند که سرمایه‌داری امپریالیستی در گوشه و کنار جهان تدارک می‌بیند، پیدا خواهد کرد.

کومه‌له از این لحاظ سنت‌های با ارزشی دارد. در روزهای پس از بر سر کار آمدن حکومت اسلامی که هیاهوی ضد آمریکائی جمهوری اسلامی گوش فلک را کر می‌کرد، کومه‌له راه انقلابی خود را پیمود و تحت تأثیر آنتی امپریالیسم سطحی و غیر اجتماعی رایج آن دوره در دفاع از مردم آزادیخواه کردستان و حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش، و سازمان دادن مبارزه آنها بر علیه حکومت اسلامی دچار تردید و دودلی نشد. جریان ما هرگز خود را در این موقعیت ندید که در این منازعه یا در جبهه جمهوری اسلامی بر علیه آمریکا قرار بگیرد و یا به صف مخالفت‌های آمریکا با رژیم اسلامی

بپیوندد. کردستان ایران در پی این سیاست و آگاه‌گری کومه‌له در عین پیشبرد یک مبارزه سرسختانه بر علیه حکومت اسلامی هرگز به پایگاهی برای دست‌اندازی‌های آمریکا در ایران تبدیل نشد و آینده روشن آن نیز در همین مسیر ساخته خواهد شد.

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۰۴